

موقوفه مرحمت پناه
تاج حسنعلی
نصیرالملک

باسم تعالی

شماره: ۷۰۹
تاریخ: ۱۳۸۶ / ۱۵ / ۱۶
پیوست:

اصلاحیه صورتجلسه مورخ ۸۶/۵/۳

پیرو صورت جلسه شماره ۶۰۶ مورخ ۸۶/۵/۴ که طی نامه شماره ۶۰۵ - ۸۶/۵/۴ در خصوص تحویل عرصه مورد اجاره شرکت اطهر آب موضوع قرارداد شماره ۷۰۹۱ - ۸۶/۶/۸ جهت استفاده بهینه از اراضی موجود و نیز افزایش امکان دسترسی به جاده اصلی و قرارگیری زمین در بر جاده خاکی اصلی و نیز خارج کردن زمین از حالت طولی و تبدیل آن به یک مربع مستطیل قابل استفاده، مجدداً در مورخ ۸۶/۵/۱۶ باتفاق مهندس مهرزاد ستوده نماینده شرکت اطهر آب و آقای کوروش جاویدی نماینده موقوفه و به همراه اکیپ نقشه بردار سر زمین حاضر و نهایتاً اراضی برابر نقشه زیر اصلاح متر از میخ کوبی گردید و تحویل نماینده شرکت اطهر آب گردید تا وفق شروط قرارداد فوق الذکر اقدام قانونی لازم را اعمال نمایند.

مدیر عامل شرکت اطهر آب
محمد حسن فاطمی

شرکت اطهر آب شیراز
«سهامی خاص»
تأسیس ۱۰۷۰۳

نماینده شرکت اطهر آب
مهرزاد ستوده

نماینده موقوفه نصیرالملک
کوروش جاویدی

موقعیت مکانی زمین
مهرزاد ستوده

موقعیت مکانی زمین
کوروش جاویدی

شیراز، میدان گلستان (چهارراه بیربیا سابل) - بلوار هفت تان - جنب بانک تجارت - ساختمان مهر - طبقه اول - موقوفه حاج حسنعلی نصیرالملک
کد پستی: ۷۱۴۶۷-۹۵۳۶۷ تلفن: ۷۳۰۱۴۰۴ (۰۷۱۱) - دورنگار: ۷۳۰۷۰۷۰ (۰۷۱۱)

گردانندگان شرکت اطهر آب: سرهنگ فاطمی، مهرزاد ستوده، کوروش جاویدی



- عکس
 ماهواره‌ای از
 محل چشمه
 ۱- محل
 وقوع چشمه
 در محدوده
 ثبتی دارنگان
 که با چشمه
 حاج
 بهاء‌الدینی،
 متعلق به
 موقوفه، فرق
 می‌کند.
 ۲- تنگ
 خانی. سمت
 غربی آبریز
 تنگ خانی
 جزو محدوده
 دارنگان و
 سمت شرق
 جزو بدیجان
 است.
 ۳- این مسیل
 قدیمی دره
 مانند، مرز
 میان دو
 پلاک ۷۲
 (دارنگان) و
 ۷۳ (بدیجان،
 حسین‌آباد)
 است.
 ۴- جاده
 خاکی که در

اراضی دارنگان برای دستیابی به چشمه احداث شده.

۵- حاج بهاء‌الدین و موقوفه بدیجان (حسین‌آباد). ۶- روستا و باغات دارنگان.

عکس ماهواره‌ای از
 محل چشمه (از
 فاصله نزدیک‌تر)
 ۱- محل وقوع
 چشمه در محدوده
 ثبتی دارنگان که با
 چشمه حاج
 بهاء‌الدینی، متعلق به
 موقوفه، فرق
 می‌کند. در این
 عکس استخری که
 بر روی آن احداث
 شده نمایان است.
 ۲- اراضی محدوده
 ثبتی دارنگان
 ۳- جاده خاکی که
 در اراضی دارنگان
 برای دستیابی به
 چشمه احداث شده.
 ۴- مسیر میل کوبی
 شده در صورت جلسه
 تحدید حدود و
 نقشه ثبتی
 پلاک‌های ۷۲ و
 ۷۳. مرز میان
 دارنگان و موقوفه
 بدیگان
 ۵- محدوده ثبتی بدیگان (حسین‌آباد)





عکس ماهواره‌ای از
محل چشمه و باغ
گردوی ورثه مرحوم
حبیب‌الله شهبازی در
تنگ خانی
۱- محل وقوع چشمه
در محدوده ثبتی
دارنگان که با چشمه
حاج بهاء‌الدینی،
متعلق به موقوفه، فرق
می‌کند. استخری که
بر روی آن احداث
شده نمایان است.
۲- جاده خاکی که
در اراضی دارنگان
برای دستیابی به
چشمه احداث شده.
۳- محدوده ثبتی
پلاک دارنگان
(پلاک ۷۲ از بخش
۲۳ فارس)
۴- باغ گردو. حدود
یکصد اصله درخت
گردوی قدیمی
دویست سیصد ساله
که پدرم از حاجی
خان جعفری طبق سند
ثبتی خریدم. محمود

حسینی مدعی است دو سه درخت گردو بیش تر نیست. در عکس انبوهی باغ مشخص است. ۵- مرز شرقی
پلاک دارنگان طبق نقشه و تحدید حدود ثبتی. ۶- تنگ اللهیاری که از تنگ خانی به سمت شرق منشعب
می‌شود. اراضی پلاک مجاور دارنگان. این اراضی دیگر جزو پلاک موقوفه بدیعجان (حسین آباد) نیست.
به نام «پلاک مجاور دارنگان» (کوه دلو) ثبت شده به نام دولت.



تنگ خانی

۱- غرب تنگ خانی، محدوده ثبتي دارنگان. ۲- شرق تنگ خانی، محدوده ثبتي موقوفه. ۳- آبريز و چشمه حاج بهاء‌الدینی، مرز موقوفه و دارنگان. در عکس کاملاً مشخص است که با چشمه مورد اختلاف فرق می‌کند. ۴- جاده دسترسی به چشمه دارنگان که در زمین دارنگان احداث شده. ۵- ساختمان آب معدنی که در زمین دارنگان احداث شده.



تنگ خانی

۱- همان چشمه که می‌خواهم «بخورم» و «خورندگان» فعلی، با همدستی محمود قوام و سرهنگ فاطمی و شیرمردی و شرکا، فعلاً تا نیمه خورده‌اند. شرکت آب معدنی بر روی چشمه استخر زده است. ۲- جاده واقع در اراضی دارنگان برای دسترسی به چشمه فوق. ۳- درختان غرس شده قدیمی. شروع باغ پدرم در تنگ خانی که از حاجی خان جعفری خرید. ۴- آبریز تنگ خانی و محل عبور آب چشمه حاج بهاء‌الدینی که از بالک دارنگان سرچشمه می‌گیرد و متعلق به موقوفه است. ۵- محدوده ثبتی دارنگان. ۶- محدوده ثبتی پلاک دلو، مجاور شرقی دارنگان (جزو محدوده ثبتی موقوفه نیست).



مناطق تخریب شده کوهپایه دلو متعلق به طوایف سُرخ‌ی توسط محمود قوام و شرکت احرار فارس و عوامل شان (حدود دو هزار هکتار)

۱- ساختمان شرکت حسین آباد. ۲- اراضی قدیمی موقوفه و اراضی احیاء شده توسط پدرم. ۳- مراتع واقع در زیر جاده که در اوائل سال‌های ۱۳۷۰ به تدریج تخریب شد. ۴- حاج بهاء‌الدین و سروهای امامقلی خان. ۵- روستای حسین آباد (آب سرد جدید) که با موافقت طایفه دهدار سُرخ‌ی، توسط دوستم گلریز خاتمی (فرماندار شیراز)، در مرتع آن‌ها ایجاد شد. ۶- اراضی دارنگان که شرکت احرار فارس چشم طمع به آن دارد و تجمع اول آذر ۱۳۸۶ سُرخیان را سبب شد. ۷- تنگ خانی. ۸- ادامه کوه دلو (پلاک ثبت شده توسط اداره منابع طبیعی به نام «مجاور دارنگان»). ۹- اراضی جدید که توسط شرکت احرار فارس و شرکا به باغ‌شهر تبدیل شده و بخش مهمی از آن تخریب و تفکیک شده و به فروش رفته است.

اهانت نامه کارگزاران مافیای زمین خوار شیراز

این اهانت نامه را، که به وسعت پخش شده، عیناً منتشر می‌کنم. فقط به اسامی دقت کنید: دو خانواده اسفندیاری و سلطانفر (مستأجرین سابق دارنگان و عوامل کنونی شرکت‌های فارس مبین و احرار فارس) هستند و بقایا و فرزندان همان هفده نفر کسانی که در ۶ بهمن ۱۳۴۱ دزدانه به شیراز رفتند و به رفراندوم «انقلاب سفید» شاه رأی مثبت دادند، به‌رغم تحریم امام خمینی (ره)، و پدرم تنبیه‌شان کرد و به پاس این خدمت ساواک اراضی «دشت کره» دارنگان، ملک احیاء شده توسط پدرم، را به ایشان بخشید. در حکم دادگاه ویژه زمان جنگ شیراز، شکایت اینان علیه پدرم یکی از دلایل محکومیت او به مرگ بود. بنگرید به صفحات ۷۹۷ و ۸۴۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه سرگشاده اهالی منطقه سیاخ دارنگون فارس در پاسخ به انتشار نامه سرگشاده نسبت داده شده به عشایر سرخی با عنوان

"مانع تخریب میراثی و محیط زیست توسط مالکهای زمین خوار شویم"

خطاب به:

- رهبر معظم و معزز انقلاب و ولی امر مسلمین
- ریاست محترم جمهور محبوب و مردمی
- ریاست محترم قوه قضائیه
- دادستان محترم کل کشور
- معاونت محترم قضائی دادستان کل کشور و دبیر شورای حفظ حقوق بیت المال در امور اراضی و منابع طبیعی
- وزیر محترم اطلاعات
- نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست محترم سازمان اوقاف و امور خیریه
- ریاست محترم سازمان بازرسی کل کشور
- ریاست محترم دفتر ویژه بازرسی رئیس جمهوری
- نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه محترم شیراز
- استاندار محترم فارس
- ریاست محترم دادگستری استان فارس
- دادستان محترم استان فارس
- مدیر کل محترم اوقاف و امور خیریه استان فارس
- مدیر کل محترم اداره منابع طبیعی استان فارس
- مدیر کل محترم امور اراضی استان فارس
- ریاست محترم اداره اطلاعات استان فارس
- فرماندهی محترم نیروی انتظامی استان فارس
- فرماندهی محترم سپاه پاسداران استان فارس
- فرماندهی محترم بسیج استان فارس
- فرماندار محترم شیراز

«هشدار اهالی منطقه سیاخ دارنگون در خصوص احتمال ایجاد آشوب و اغتشاش و نا امنی در سیاخ دارنگون فارس و شاید در جاهای دیگر کشور با تحریکات آقای عبدالله شهبازی»!

منطقه سیاخ دارنگون واقع در کوهمره سرخی در فاصله ۲۰ الی ۳۰ کیلومتری شیراز از جمله مناطق آرام و بی‌مهاو و پر رونق در امر کشاورزی می‌باشد. از خصوصیات مردم منطقه ایمان قوی، تلاش و زحمت و کسب روزی حلال، میل به صلح و آرامش و پابندی به ارزشهای اسلامی و آرمانهای انقلاب اسلامی می‌باشد.

مدتی است فردی به نام آقای عبدالله شهبازی که سابقه عضویت در رده‌های بالا و ارکان اصلی حزب منحل شده را داشته و سالها در پانخت مشغول فعالیتهای خاص خودش بوده پس از حدود ۳۰ سال و پس از بفروش رسانیدن املاک پدری به منطقه سیاخ دارنگون آمده و به لحاظ نویسندگی خود در اذهان عموم طوری واثمود نموده که ایشان مورد حمایت مقامات و مسئولین

حکومت و نیز امام جمعه محترم شیراز و حتی مقامات قضائی می‌باشد، و با بکارگرفتن برخی افراد قانون شکن به منظور دستیابی به ثروت و زمین اقداماتی انجام می‌دهد که به طور جدی امنیت منطقه را به خطر انداخته و هر آن احتمال ایجاد آشوب و اغتشاش در منطقه را تقویت می‌نماید:

۱- نامبرده در بیش از یکصد هکتار اراضی منابع طبیعی اقدام به احداث پروژه باغ شهری زانوس سبز یا کوثر می‌نماید. از آنجا که با کمبود آب جهت آبیاری درختان باغشهرهای خود مواجه گردید ابتدا با لوله و موتور پمپ اقدام به بردن آب از رودخانه قره آقاج نمود که سازمان آب از این اقدام ممانعت نمود. سپس سعی نمود با استفاده از سهم بسیار اندک یعنی شاید حدود ۳ ساعت در دور چهارده شبانه روزه آبیاری از رودخانه دارنگون با موتور پمپ و لوله به صورت دائم آب شرب و کشاورزی اهالی دارنگون را به باغشهر احدائی خود جهت آبیاری درختان و پر کردن دریاچه ای مصنوعی که در باغشهر مذکور، احداث نموده ببردو مدتی بدون اطلاع اهالی مبادرت به این کار مینماید. پس از اطلاع اهالی محل از این اقدام و اینکه آقای عبدالله شهبازی اقدام به تخریب زمینهای اهالی و منابع طبیعی با بیل مکانیکی جهت حفر کانال و بردن آب به باغشهر خود نموده است. ساعت حدود ۳ بعد از ظهر مردم با تجمع در مقابل پاسگاه انتظامی دارنگون به فرمانده پاسگاه اعلام نمودند که پاسگاه از اقدام خلاف قانون آقای شهبازی ممانعت نماید در غیر این صورت مردم، خود این کار را خواهند کرد. فرمانده پاسگاه دارنگون به منظور جلوگیری از جرم مشهود وی و وقوع درگیری احتمالی بین اهالی دارنگون و ابادی آقای شهبازی، بنابر تکلیف و وظیفه قانونی از راننده بیل مکانیکی می‌خواهد که کار خود را تا تعیین تکلیف مقام قضایی تعطیل نماید. متعاقب توقف کار بیل مکانیکی یکی از ابادی آقای شهبازی به محل تجمع مردم در جلوی پاسگاه آمده و اقدام به فحاشی و رکیک نسبت به اهالی و حتی فرمانده پاسگاه و نیز اقدام به تخریب اتومبیل یکی از اهالی می‌نماید که پرونده تمام موارد فوق در شعبه ۹ بازپرسی شیراز مطرح رسیدگی می‌باشد. در این شعبه آن شخص بازداشت و برای وی قرار وثیقه صادر می‌گردد؛ همچنین در پرونده کارشناس امور آب اعلام می‌نماید که اقدام آقای شهبازی در بردن آب خلاف مقررات می‌باشد، آقای شهبازی اقدام به احداث دیوار در راه‌های عمومی و معابر نیز می‌نماید، مردم با تجمع به این عمل اعتراض می‌نمایند که ابادی آقای شهبازی یکی از اهالی را با چاقو مجروح می‌نماید. شکایت انسداد راه‌ها نیز در شعبه ۹ بازپرسی تحت رسیدگی می‌باشد. جالب است که آقای شهبازی فرمانده پاسگاه را به دادسرای نظامی کشاند که چرا چند ساعت برای جلوگیری از درگیری احتمالی، بیل مکانیکی وی را متوقف نموده و پرونده‌ای علیه اهالی که از وی شکایت کرده بودند در دادسرای عمومی و آگاهی تشکیل داد تا شاید مردم از پیگیری شکایات خود بترسانند. ولی هم دادسرای نظامی و هم دادسرای عمومی شکایت وی را موجه ندانستند؛ که پروژه باغشهری ایشان با بن بست روبرو می‌گردد.

۲- آقای عبدالله شهبازی اقدام به خرید حدود ۴ هکتار اراضی منابع طبیعی از یک جانباز که به او واگذار شده بود، نموده و سپس اقدام به تکمیک و قطعه بندی و فروش در مقدار حدود ۱۴ هکتار اراضی منابع طبیعی بمنظور احداث و ایجاد یک روستای جدید به تعدادی افراد غیر بومی بخصوص تعدادی از طایفه ناصرو، (یکی از طوایف ایل سرخی که آقای شهبازی خود از همین طایفه می‌باشد) و دریافت وجوه بسیاری از خریداران قطعات، می‌نماید، تصمیم به ایجاد روستا، آنهم بدون مجوز قانونی از مراجع ذیربط با مخالفت اهالی منطقه نیز روبرو می‌گردد. لذا از نظر قانونی و مخالفت محلی ایجاد این محل مسکونی با مشکل و مانع روبرو می‌گردد، آیا اگر یک فرد عادی و نه یک نویسنده مرتبط با مقامات کشور این اقدامات در رابطه با اراضی مسکونی را مرتکب شده بود به اتهام کلاهبرداری، فروش مال غیر (اراضی دولت) و... تحت تعقیب قرار نمی‌گرفت؟!، آیا هرکسی هرجا دلش خواست بدون هماهنگی با دولت می‌تواند روستا یا شهر ایجاد نماید؟!.

۳- آقای شهبازی قصد گرفتن مقداری اراضی موقوفه عام نصیرالملک که منسوب به سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین^(ع) می‌باشد را می‌نماید و درخواست واگذاری آب چشمه‌ای در تنگ خانی متعلق به موقوفه نصیرالملک به خود را داشته که موقوفه با وی موافقت نمی‌نماید که این موضوع موجب ناخشنودی آقای شهبازی و آغاز عناد وی با موقوفه، متولی موقوفه و اداره اوقاف می‌گردد.

۴- مقداری زمین در محل، نزدیک تنگ خانی از طرف امور اراضی و منابع طبیعی به یکی از اهالی واگذار می‌گردد. آقای عبدالله شهبازی نیز گوشه چشمی به این زمین داشته و با این شخص درگیر می‌شود. پس از آن افرادی برای این شخص ایجاد مزاحمت می‌نمایند، لودری را که در حال کار کردن برای او بوده تخریب می‌نمایند و راننده لودر را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند که پرونده‌ای در شعبه اول بازپرسی شیراز تشکیل و پس از بیگیری برای متهمین کیفرخواست صادر می‌گردد. پس از مدتی مجدداً افرادی در تاریخ پنج شنبه ۸۶/۹/۱ بصورت مسلح به این زمین و کارگرانی که کار می‌کرده‌اند حمله می‌نمایند و آنها را مورد ضرب و شتم و جرح قرار می‌دهند و حتی اقدام به تیراندازی می‌نمایند، درختان کاشته شده را درآورده و به آتش می‌کشند، چادر کارگران را به آتش می‌کشند اموال و پول های کارگران را به سرقت می‌برند و ... ولی با همه اینها صاحب زمین به دفاع از زمین و حیثیت خود ادامه می‌دهد و آقای شهبازی در این مورد نیز نه تنها ناموفق می‌ماند بلکه بر مشکلاتش افزوده می‌گردد.

صاحب زمین علیه آقای عبدالله شهبازی و تعدادی افراد وی شکایت می‌کند دادسرا آقای عبدالله شهبازی و افرادی دیگر را به اتهام اختلال در نظم عمومی ضرب و جرح و ... احضار می‌نماید که همین احضار موجب شروع وقایعی جدید و جالب توجه می‌گردد که واقعاً در نوع خود بی نظیر است:

متنی در سایتهای اینترنتی و در روزنامه های کیهان - سیاست روز - افسانه (روزنامه محلی شیراز) و ... ، تحت عنوان «منابع تخریب محیط زیست و ... توسط مافیای زمین خوار شویم» نسبت داده شده به عشایر سرخی فارس منتشر و قید می‌گردد عده‌ای که از آنها بعنوان مافیای زمین خوار یاد شده، دو هزار هکتار مراتع سرخی فارس را چنین و چنان می‌کنند (رطب خورده منع رطب چون کند!!!) و با بیان ارزشی نجومی برای آن یعنی ۱۲۰ میلیارد تومان خرابکاریهای روز پنجشنبه ۸۶/۹/۱ که فوقاً به آن اشاره شد به عنوان تجمع اعتراض آمیز عشایر سرخی فارس ذکر شده و تهدید شده که تازه شروع کار است و این اقدامات ادامه خواهد داشت و زنجیره انسانی بدور اراضی توسط دانشجویان تشکیل خواهد شد و اقدامات شرکت احرار فارس که متعلق به ۲۰۰۰ آزاده معزز استان فارس می‌باشد در اراضی موقوفه نصیرالملک را تخریب مراتع عنوان نموده، ادارات اوقاف، منابع طبیعی و امور اراضی و موقوفه نصیرالملک را به اتهاماتی متهم نموده، با حائلی کینه توزانه سعی در تخریب شخصیت متولی موقوفه نصیرالملک و ... گردیده است. درحالیکه تمامی اتهامات کذب و بی اساس به اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت داده شده است و اقدامات شرکت احرار ، موقوفه نصیرالملک، متولی موقوفه، اداره اوقاف- اداره منابع طبیعی و اداره امور اراضی و بقیه اشخاص اشاره شده در آن متن بصورت کاملاً قانونی بوده و هرگز زمین منابع ملی تخریب نگردیده و کلاً در اراضی موقوفه با رعایت کامل مقررات و ضوابط قانونی و شرعی انجام گرفته است و هرگز این اراضی جزء مراتع سرخی نبوده است. آقای عبدالله شهبازی در روزنامه‌ها نوشته که بدلیل انتشار نامه عشایر سرخی فارس وی به دادسرا احضار شده در حالیکه احضار در پی وقایع پنجشنبه ۸۶/۹/۱ بوده و برای انتشار آن نامه هنوز احضار نگردیده اما بدلیل نشر اکاذیب و افتراهای مندرج در نامه باید نگارنده متن و امضاء کنندگان نامه مورد تعقیب قرار گیرد.

در مجموع نتیجه عملی نامه سرگشاده نسبت داده شده به سرخی فارس چیزی جز تحریک تعدادی افراد ساده لوح سرخی و کشاندن آنها به منطقه سیاح دارنگون از حدود ۱۵۰ کیلو متر آن طرفتر و ایجاد سرباهی غیر واقعی در ذهن آنها راجع به ارقام

نجومی اراضی که ربطی به آنها نیز ندارد و در نهایت به هم ریختن امنیت منطقه و ایجاد آشوب و اغتشاش در منطقه نخواهد بود. چه بسا در آینده نزدیک ناظر درگیریهای قومی و قبیله‌ای و طایفه‌ای در این منطقه و حتی مناطق دیگر کوهمره سرخی باشیم. در نامه سرگشاده ذکر شده از سوی «قاپله ایل سرخی» یعنی تمامی ایل سرخی در حالیکه بجز تعدادی افراد قانون شکن و سابقه دار کیفری، افراد فهیم و موجه سرخی که برای انقلاب و نظام جانفشانیها کرده‌اند و شهدایی تقدیم نموده‌اند و بزرگان ایل سرخی آقای عبدالله شهبازی را بخوبی می‌شناسند، نه تنها با او همسو نیستند بلکه با اقدامات او مخالف هم هستند. نامبرده چون سالها دور از جامعه عشایری و سرخی بوده و بخصوص در دوران تفکرات توده‌ای خود این نکته را فراموش نموده که مردم عشایر بخصوص عشایر سرخی و سیاح دارنگون ارادتمند و عاشق اهل بیت و معصومین^(ع) بخصوص حضرت سید الشهداء^(ع) می‌باشند و هیچگاه به خاطر مقاصد شخصی یک نفر حاضر نیستند به موقوفه امام حسین^(ع) اهانت و تعرض نمایند و امضاکنندگان متن نامه نسبت داده شده به عشایر سرخی فارس قطعاً متوجه این مطلب نگردیده‌اند که نگارنده متن نامه چگونه بر خلاف واقعیت علیه موقوفه امام حسین^(ع) اکاذیب نوشته است و گرنه آن را امضاء نمی نمودند.

۵- در تاریخ ۸۶/۳/۲ استشهدای ای توسط تعدادی از طوایف ناصرو و دهداری (دو طایفه ایل سرخی) راجع به همین مطالبی که اکنون آقای شهبازی مطرح نموده است، تنظیم و تهیه گردیده و در آن به درگیری بین دو طایفه دهداری و بگی در سال ۱۳۳۱ (نزدیک به ۶۰ سال قبل) اشاره شده که بعضاً موجب زنده شدن کینه و دشمنی بین دو طایفه دهداری و بگی گردیده و وقایع اخیر نقش آقای شهبازی در تهیه استهداده را روشن تر نموده و نشان میدهد که نامبرده نه تنها در پی حفظ منافع آن طایفه ها نبوده بلکه بدنبال منافع شخصی و اهداف پنهانی خویش میباشد و برای رسیدن به این منظور از هیچ کاری حتی زنده کردن دشمنی های فراموش شده نیز ابائی ندارد، این در حالیست که پس درگیری سال ۱۳۳۱ دو طایفه مذکور در کمال دوستی و برادری در کنار هم زندگی مینمایند.

۶- اتفاقات دیگری در منطقه رخ داده مثل به آتش کشیدن گندم اهالی در تابستان ۸۶، به آتش کشیدن منزل یکی از اهالی که مشکلاتی با آقای عبدالله شهبازی داشته است، به سرقت رفتن دام یکی از اهالی که مخالف با واگذاری زمین خود به آقای عبدالله شهبازی برای ایجاد باغشهر بوده است، تخریب درختان و باغ شخصی که با آقای شهبازی مخالف بوده، حمله به منزل اهالی و ضرب و جرح یکی از افراد آن منزل که علیه آقای شهبازی استهداده ای امضاء نموده است و ... که شبهه ارتباط این وقایع با آقای عبدالله شهبازی را ایجاد می‌نماید.

۷- آقای عبدالله شهبازی در تاریخ ۸۶/۹/۲۲ در تالار شهید صدری دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز سخنرانی تحت عنوان «حکومت و فساد مالی در تاریخ معاصر ایران» ایراد نموده که در آن سخنرانی بطور خلاصه: ایشان با ذکر مثالهایی در خصوص حکومتهای استبدادی و ثروت اندوز در جهان مطلب را به ایران سوق داده سپس نتیجه گیری نموده حکومت اسلامی ایران نیز حکومتی مشابه آنها می‌باشد و آقای دکتر احمدی نژاد را ناتوان ذکر کرده و در صلاحیت و شایستگی ریاست جمهوری تردید ایجاد نموده است! در خصوص مسؤولین نظام که چه قبل و چه بعد از انقلاب و چه در دوران جنگ و پس از آن تا کنون همه چیزشان را وقف اسلام و انقلاب نموده‌اند اظهار نظرهای غیر مربوط و ناصحیح گردیده است. اعلام گردیده که سمت و سوی جنبش دانشجویی علیه قوه قضائیه است و ...!

می‌گویند شخصی را به ده راه نمی‌دادند و او سراغ خانه کدخدا را می‌گرفت. آقای شهبازی بجای تشکر و ممنون بودن از حکومت اسلامی که وی را با آن سوابقش بجای مجازات مورد عفو قرار داده، در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی و در آستانه انتخابات مجلس اینگونه غیرمنصفانه در مورد حکومت اسلامی که الگویی برای همه حکومتهای جهان می‌باشد سخن گفته است و

در صالح بودن و شایستگی رئیس جمهور مردمی و مورد قبول مقام معظم رهبری و دیگر دلسوزان انقلاب اینگونه سخن گفته است و موارد دیگری در سخنرانی که پاسخ به آنها مثنوی هفتاد من کاغذ را می‌طلبد. و کلاً موضوع سخنرانی با عنوان به این مهمی و با مقدمه‌ای به «مستردمی حکومت‌های جهان در نهایت صرفاً به نتیجه‌گیری در خصوص تخریب موانع سرخی که هیچ ارتباطی که به موضوع سخنرانی یعنی فساد مالی در حکومت ندارد ختم گردد!

اکنون یک سوال مهم مطرح می‌گردد: براساسی منظور واقعی و هدف پنهان آقای عبدالله شهبازی از این کارها چیست؟! در سخنرانی ۸۶/۹/۲۲ آقای شهبازی ملاحظه می‌گردد که وی به افرادی که قانونی یا غیر قانونی میلیاردر شده‌اند اشاره نموده است. مثل یک نظامی که هزار هکتار اراضی غرب شیراز را تصاحب نموده با مدیری که صاحب بیمارستان چند ده میلیاردی شده است یا معلمی که ثروتش بیش از یکصد میلیارد تومان شده است و افراد دیگری که میلیاردها به دست آورده‌اند! امر اقدامات انجام شده توسط آقای عبدالله شهبازی که فوقاً به آنها اشاره شد، یعنی اقداماتی جهت بدست آوردن زمین یا پول و... را با مواردی که ایشان در سخنرانی ۸۶/۹/۲۲ بیان نموده یعنی افراد میلیاردر شده جمع کنیم این نتیجه بدست می‌آید که آقای عبدالله شهبازی بدنبال تصاحب اراضی و ثروتهای میلیاردری است و ناراحت از این است که از افرادی که در سخنرانی بیان نمود که میلیاردر شده‌اند مقداری عقب مانده است و تفاوت اقدامات آقای شهبازی با افراد میلیاردر شده دیگر در این است که آنها فقط میلیاردر شده‌اند ولی آقای شهبازی طریقی را برای میلیاردر شدن انتخاب کرده که ممکن است به بهای آشوب و اغتشاش در جامعه بدست آید.

آری، از دید آقای عبدالله شهبازی، آقای احمدی نژاد ناتوان است زیرا وقتی آقای عبدالله شهبازی که به تازگی به منطقه سیاح دارنگون آمده تنها در این منطقه بیش از یکصد هکتار باغشهر تصاحب نموده و قصد تصاحب ۲ هزار هکتار دیگر به عنوان مزارع سرخی فارس را دارد ولی آقای احمدی نژاد که رئیس جمهور کشوری به این پهناوری است چیزی به جیب نزده، واقعاً رئیس جمهوری ناتوان است. و اگر آقای عبدالله شهبازی رئیس جمهور بود آنوقت گفته می‌شد صد رحمت به تملک و تصاحب اراضی توسط رضاشاه!

ایشان در سخنرانی خود و در جاهای دیگر به کرات به قانون منابع ملی ابراد گرفته، علتش این است که پروژه باغشهری وی در منابع ملی است و وی به رأی کمیسیون ماده واحده اعتراض نموده و خواستار تبدیل اراضی این پروژه به مستثنیات می‌باشد، به همین لحاظ قانون منابع ملی مانعی در رسیدن وی به منافع شخصی می‌باشد و ایشان چند پرونده شخصاً با منابع طبیعی در دادگاه و دادسرا دارند برآستی چه کسی زمین خوار و تخریب کننده منابع طبیعی است؟.

چرا ایشان میگویند " سمت و سوی جنبش دانشجویی علیه قوه قضائیه است؟" آیا واقعاً چنین است؟ خیر هرگز سمت و سوی جنبش دانشجویی علیه قوه قضائیه نیست، و علت اظهار این مطلب و مطالب دیگر علیه قوه قضائیه توسط آقای شهبازی این است که انصافاً در دادگستری شیراز علیرغم تمامی سعی و تلاشی که ایشان به منظور اعمال نفوذ در مراجع قضائی مربوطه داشت، قضات شریف و عادل دادسرا و دادگاه در کمال بی طرفی به شکایاتی که مردم علیه آقای شهبازی نموده بودند، توجه و رسیدگی نموده و جریان پرونده‌ها مطابق مقررات و قانون به ضرر آقای شهبازی طی گردید، لذا این روند باعث عصبانیت آقای شهبازی از دادگستری و بیان مطالبی کذب علیه قوه قضائیه و دادگستری گردیده است. مطلب مهم و جالب توجه اینجاست که آقای شهبازی یا افرادی که نامه سرگشاده به آنها نسبت داده شده هرگز هیچ شکایت و ادعائی در خصوص مافیای زمین خوار در دادگستری شیراز که قانوناً مرجع صالح رسیدگی میباشد مطرح نموده و ابتداتاً اقدام به ایجاد جار و جنجال در اینترنت و روزنامه‌ها و انتشار نامه مذکور خطاب به مقامات کشوری نموده و چنان وانمود ساخته که هیچ کس در استان فارس نیست که به داد من ظلم دیده و

عشایر مظلوم برسند!!!! علت این اقدامات چه میتواند باشد؟؟؟ واضح است مهمترین علت آن کذب بودن ادعاهای مطرح شده در نامه های سرگشاده میباشد والا اگر کسی حقی داشته باشد یا دلیلی بر حق خود داشته باشد ابتدا به دادگستری آن محل مراجعه مینماید.

لازم به ذکر است در همین ارتباط جلسه ای در دفتر ریاست محترم کل دادگستری استان فارس بتاريخ ۸۶/۹/۲۵ با حضور اعضاء محترم شورای حفاظت و پیشگیری از تخریب و تصرف اراضی دولتی و همچنین شخص آقای عبدالله شهبازی تشکیل که خوشبختانه در این جلسه تا حدود زیادی واهی بودن ادعاهای آقای شهبازی برای اعضاء جلسه احراز و مشارالیه که به لحاظ فقد ادله در اثبات مطالب خود عاجز و نتوانست از این رهگذر طرفی ببندد دست خالی جلسه را ترک و جهت توجیه ناکامی خود اقدام به انتشار دومین عریضه خود در سایت و متهم نمودن مسئولین استان در جلسه مذکور به بی تفاوتی و همدلی با زمینخواران نموده است، و از جمله نکات جالب این نامه آن است که در ذیل آن اشاره به امضاء ۹۰۶ نفر از عشایر محترم سرخی نموده است که از همان ابتدا برخی از افرادی که نام و امضاء آنها در آن نامه اشاره شده منکر اطلاع از نامه فوق و یا امضاء خود شدند. در صورت بررسی دقیق نام و امضاها ذیل نامه واقعیات بیشتری روشن خواهد شد.

به نظر می رسد این باصطلاح مورخ (آقای عبدالله شهبازی) در برداشت خود از تاریخ دچار اشتباه گردیده و گمان کرده اکنون مانند ۴۰-۵۰ سال قبل است و می توان با قلدری و تعدادی تفنگچی و قانون شکن زمین تصاحب کرد و بر مردم حاکم شد. باید به وی یادآوری نمود که در حال حاضر حکومت اسلامی حاکم است و مملکت نظم و قانون دارد و بایستی از تاریخ عبرت گرفت.

اگر روند در پیش گرفته به دقت بررسی گردد نتیجه این خواهد شد که صرفاً بخاطر مطامع و منافع شخصی و زراندوزی بعضیها، اولاً به ادارات دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی اتهامات و اکاذیبی نسبت داده شده و به قوانینی که با منافع شخصی وی در تعارض است حمله گردیده است. ثانیاً بخاطر همان منافع شخصی امنیت منطقه سیاح دارنگون و کوهمره سرخی با خطر جدی مواجه خواهد بود و حتی با چنین سخنرانیهایی جو محیطهای دانشجویی و دانشگاهها نیز متشنج خواهد شد.

متأسفانه شاهد این موضوع هستیم که در این نظام مقدس بعضاً قلم، به دست ناهل افتاده، ولی بنا بر تاکید امام راحل (ره) نباید گذاشت ناهلان و نامحرمان با سوء استفاده از مواهب انقلاب خدشه ای بر آن وارد نمایند.

گویند دهقانی در زمستان در مزرعه خود ماری را دید که از سرما به خود پیچیده، دهقان دلش به حال مار می سوزد و او را لای لباس خود می گذارد که گرم شود، مار به محض اینکه احساس گرما کرد نیش خود را در بدن دهقان بیچاره فرو کرد. مواظب باشیم آقای عبدالله شهبازی برای منطقه و برای نظام مقدس جمهوری اسلامی مار پرورانده در آستین نباشد و ما بطور جدی به کلیه مقامات و مسئولین نظام در این خصوص هشدار می دهیم و خواستار مقابله جدی با این اقدامات هستیم.

با تقدیم احترام و
تشکر از بدل توجهتان

کلام آخر

گفتنی‌ها را گفتیم. علاوه بر این رساله ۱۴۶۱ صفحه‌ای، ۲۵۰ صفحه مطالب دیگر و اسنادی که از نظر من، به دلیل حفظ برخی حریم‌ها و حرمت‌ها، قابل انتشار نبود، برای مقامات عالی کشور ارسال شد. این کار سنگین را در دو ماه کردم. از ۱۵ دی، در بستر بیماری، آغاز کردم؛ زمانی که نامه اداره کل منابع طبیعی فارس را، که با امضای آقای علی چنانه، مدیرکل روابط عمومی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور منتشر شد، دیدم. از حوالی ۲۵ دی دوره نقاهت پس از بیماری پایان یافت و با توان بیش‌تر نوشتیم، در حوالی ۲۰ اسفند به پایان بردم. انتخابات مجلس شورای اسلامی (۲۷ اسفند ۱۳۸۶) در پیش بود. انتشار این رساله را به مصلحت نظام ندانستم. نگران بودم که موجی برانگیزاند و بر مشارکت مردم در انتخابات، حداقل در شهر شیراز، تأثیر منفی گذارد. صبر کردم و از آن پس با فراغ‌بال به ویرایش و اصلاح و تکمیل آن پرداختیم. اکنون در ساعت یک بعد از ظهر یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۸۷ ویرایش نهایی را به پایان می‌برم.

در ضمن کتاب، پیام‌های خود را گفته‌ام. پایان سخنم این است:

۱- من از وضع کنونی فارس احساس شرم می‌کنم؛ هم از عقب‌ماندگی فرهنگی آن و هم از میزان غیرقابل باور فساد مالی لگام گسیخته‌ای که دیده‌ام. این همان سرزمینی است که پیش از اسلام مهد تمدن کهن ایرانی بود و پس از اسلام شیرازیان و فارس‌یان اسلام را به تانزانیا و سودان در غرب و مالزی و اندونزی در شرق بردند. ابن بطوطه از قاضی کازرونی در بنادر چین نام می‌برد. در اندونزی سنگ قبرهای فارسی با اشعار سعدی و حافظ از خاک برون می‌آید. امروزه من شرمگینم که سرزمین خود را چنین عقب‌مانده و ویران می‌بینم.

۲- کوشیدند مرا از فارس بیرون کنند. خواهم ماند و وظیفه خود را برای آبادانی فارس، برای احیاء فرهنگ غنی آن، برای تبدیل شهر خود، شیراز، به قطب پژوهش تاریخی و مردم‌شناسی ایران، انجام خواهم داد. کارشناسان و مسئولان این عرصه خوب می‌دانند که توانش را دارم. از سال ۱۳۶۷ موج جدید تاریخنگاری و پژوهش سیاسی پس از انقلاب را من ایجاد کردم. بزرگ‌ترین مؤسسات پژوهشی و بهترین نشریات تخصصی کشور در این حوزه ثمره تلاش من بود. این توان را پس از این در زادگاهم به کار خواهم گرفت.

۳- دلبستگی به دنیا ندارم. خونم نیز از خون پدر و نیاکانم رنگین‌تر نیست. استوار

خواهم ماند و با فساد مزمن و ریشه‌دار حاکم بر فارس مبارزه خواهم کرد. افشا خواهم کرد. این روش، تاریخنگاری روز^{۵۴} را به صورت تک‌نگاری در همه عرصه‌ها ادامه خواهم داد. پیشینه و تعلقات خانوادگی یکایک مسئولین فاسد مؤثر در عقب‌ماندگی فارس را خواهم کاوید و فاش خواهم کرد. تک‌نگاری خواهم نوشت در همه زمینه‌ها: از مافیای قدرت و خویشاوندسالاری تا مافیای زمین‌شهری و مسکن تا پیمانکاری‌های کلان در عسلویه. نظامی و غیرنظامی نمی‌شناسم. فاسدین در کسوت ارزش‌مداری را بیش‌تر افشا خواهم کرد زیرا دلبسته انقلاب و آرمان‌های خمینی‌ام و بیزار از سوداگران ارزش‌فروش.

۴- با سلب حقوق شرعی و قانونی مالکیت و محروم کردن من از ارثیه پدری، که می‌خواستیم در سنین پنجاه به پشتوانه آن با دستی گشاده و بی‌نیاز از حکومت به کار پژوهشی در شیراز مشغول شوم، دهانم بسته نخواهد شد. در زندگی سختی فراوان دیده و بارها از صفر آغاز کرده‌ام؛ می‌توانم در بدترین وضع کار خود را ادامه دهم. این بار وظیفه خود را نگارش تاریخ الیگارش‌بی‌اخلاقی می‌دانم که پس از انقلاب اسلامی، به‌رغم آرمان‌های والای آن، ریشه گرفته و رهبری انقلاب بارها از آن با عنوان «طبقه جدید» یاد کرده است.

۵- اگر احساس کنم تلاش برای احقاق حقوق شخصی‌ام به حربه‌ای برای تحریف سخنانی که از سر درد و تکلیف گفته‌ام بدل خواهد شد، کلیه اموال موروثی خود را به خانواده‌های شهدای موطنم، کوهمره سُرخ‌ی و سیاخ، انتقال می‌دهم و از این پس چون بخش اعظم زندگی گذشته‌ام با قلم خود ارتزاق خواهم کرد. پیش‌تر نیز این کار را کرده‌ام: قطعه زمین برنجکار متعلق به خود را، موسوم به زمین کالی بازی (قائد علی‌بازی) در روستای بندویه کوهمره سُرخ‌ی، بلافاصله پس از بازپس‌گیری از غاصبان محلی (حاج محمد احمدی) در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ به خانواده دو شهید جنگ تحمیلی (شهید محمدحسین جانبازی و شهید فرج‌الله بختیاری) اهدا نمودم.

۶- می‌توانید به بهانه «نشر اکاذیب و توهین و افترا» و «تشویش اذهان عمومی» مرا به دلیل تدوین این کتاب به محکمه کشانید. یقین داشته باشید دادگاهی علنی خواهد بود با انعکاس جهانی و با حضور صدها دانشجوی انقلابی از سراسر کشور که در آن با ارائه سند و مدرک از بند بند این رساله دفاع خواهد شد و به تریبون افشای فساد مالی گسترده موجود در فارس بدل خواهد گردید. یقین داشته باشید که این دادگاه موجی گسترده از

جنبش عدالت خواهی را در میان نخبگان فکری و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور ایجاد خواهد کرد که مهارشدنی نخواهد بود. و یقین داشته باشید که تمامی کارکنان شریف سازمان‌ها و ادارات و نهادهای شیراز، که سال‌ها ناظر این فساد عمیق بوده و خون دل خورده‌اند، یار و یاور من خواهند بود و اسناد و مدارک جدید از موارد فراوان دیگر این‌گونه مفاسد را در اختیارم خواهند گذارد تا در دادگاه در معرض داوری قرار دهم.

من سال‌ها از زندگی خود را به خاطر اعتقاداتم در زندان سپری کرده‌ام که بخش عمده آن در سلول انفرادی بوده است. محرومیت فراوان کشیده‌ام. اکنون مایه افتخار من است که به خاطر دفاع از حقوق مردم و به خاطر پالایش آرمان‌های والای امام خمینی و انقلاب شکوهمند اسلامی از پیچک‌های مسمومی که آن را به کام انحطاط و نابودی می‌برد و در راه مبارزه با تناورتر شدن الیگارشی جدیدی که نظام جمهوری اسلامی را به تهی شدن از درون و فروپاشی تهدید می‌کند، چند صباح دیگر نیز زندان باشم.

۷- در دارنگان، قریب به پنج هکتار زمین زیبا، متعلق به شخص خود، به محل استقرار عشیره‌ام، سرخیان، اختصاص داده‌ام که در محدوده روستای دارنگان است. کسی نمی‌تواند جلوی احداث خانه‌های آنان را بگیرد. سرخیان در موطن خود اسکان خواهند یافت همانگونه که «فلسطینیان» نیز روزی سرزمین خود را خواهند گرفت. «اولاد یهودا» فکری به حال خود کند.

۸- مصرانه از مقامات عالی نظام خواستار اعزام هیئتی ذیصلاح و کاردان برای رسیدگی به موارد زیر هستیم:

- ۱/ ۸- صحت و سقم کلیه موارد مندرج در این کتاب مورد بررسی قرار گیرد.
- ۲/ ۸- علت سکوت اداره منابع طبیعی فارس در قبال تخریب و تصرف و تفکیک و فروش غیرقانونی حدود دو هزار هکتار مراتع مشجر کوهپایه دلو توسط شرکت احرار فارس و موقوفه منسوب به نصیرالملک چه بوده است؟
- ۳/ ۸- علت همدستی آشکار اداره منابع طبیعی فارس با شرکت فارس مبین و عوامل محلی آن در تفکیک و فروش سریع قریب به هفتصد هکتار اراضی زراعی دیمکار دارنگان، به‌رغم صدور سند آن به نام دولت و به‌رغم مطرح بودن دعوی مالکین آن در شعبه ۲۳ حقوقی شیراز، در قالب «طرح آبخیزداری» در همین زمستان ۱۳۸۶ چه بوده است؟

- ۴/ ۸- چرا شرکت فارس مبین، وابسته به بنیاد تعاون بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بدون احراز مالکیت، با خانواده‌های سلطانفر و اسفندیاری قرارداد مشارکت منعقد نمود و چه مسایلی در پس پرده این کلاهبرداری بزرگ بود؟

۵ / ۸- آیا سرهنگ علی یوسفی، مدیرعامل پیشین شرکت فارس مبین، در بندر عسلویه زمین خریده و سپس به مبالغ چند میلیارد تومانی فروخته است؟ اگر صحیح است، این پول از کجا آمده؟ آیا در ماجرای هتک حرمت و افترا علیه حجت الاسلام و المسلمین مؤمن، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج سپاه فارس، مقصر بوده یا خیر؟ اگر مقصر بوده، که بوده و به یک سال و نیم زندان محکوم شده، به چه دلیل و با حمایت چه کسانی پس از یک سال از زندان رهایی یافته و در تهران به برج سازی مشغول شده؟

۶ / ۸- علت واگذاری ۲۶۵۶ هکتار اراضی منابع ملی به شرکت خصوصی به نام «مؤسسه فلاح در فراغت» و شرکت‌های اقماری آن، مانند مؤسسه خیریه رمضان و مؤسسه احسان و شرکت ارمغان و غیره، چه بوده است؟ آیا این واگذاری‌ها قانونی بوده یا با مقررات جاری کشور تعارض داشته؟ در صورت غیرقانونی بودن نسبت به خلع ید و رفع تصرف و مجازات متخلفین و استرداد اموال غارت شده به بیت‌المال اقدام شود.

۷ / ۸- کلیه اراضی واگذار شده به مؤسسه فلاح در فراغت توسط نقشه‌برداران صالح نقشه‌برداری و مشخص شود آیا این مؤسسه مازاد بر اراضی فوق چه مقدار زمین در تصرف دارد؟ تحقیقات من نشان می‌دهد که مؤسسه فلاح حداقل دو برابر میزان فوق را تصرف و تصاحب کرده است.

۸ / ۸- مؤسسه فلاح در فراغت، و مؤسسات اقماری آن از جمله مؤسسه احسان، از ابتدا تاکنون چقدر درآمد داشته و این پول به کجا رفته؟

۹ / ۸- شرکت بناسازان رمضان (مؤسسه خیریه رمضان سابق)، که در ظاهر به علیرضا مسعودی تعلق دارد، در واقع متعلق به چه کسانی است و علت گشادگی دست این شرکت در اخذ پیمان‌های کلان از استانداری و دستگاه‌های دولتی در شیراز و شهر جدید صدرا و دریافت واگذاری‌های فراوان از اداره منابع طبیعی و امور اراضی چیست؟ نقش علیرضا مسعودی در پس‌پرده تحولات بیست ساله اخیر فارس چه بوده است؟ حامیان او چه کسانی هستند؟

۱۰ / ۸- کلیه اراضی غصب شده از مالکین توسط مؤسسه فلاح، به‌ویژه ۱۶ هکتار خانواده‌های شهدای ایور (حاج امان مرادی و حاج فلک ناز برزگری و شرکا)، و مراتع و اراضی دیمکار و آبی روستاهای آل سعدی و قلعه چوبی و کدنج و ایور به مالکان اصلی آن مسترد گردد.

۱۱ / ۸- توسط یک هیئت کارشناسی علت خشکیدن چشمه بزرگ پیربنو، از آثار تاریخی و گردش‌گری حومه شیراز، و خشک شدن چند چاه آهکی تأمین‌کننده آب

مشروب شهر شیراز در کوهپایه شمالی سبزپوشان مورد بررسی قرار گیرد. آیا علت حفر چاه‌های آهکی غیرمجاز مؤسسه فلاحت در کوهپایه جنوبی سبزپوشان، برای مشروب کردن باغات این مؤسسه، نیست؟

۸/۱۲- نسبت به کلیه چاه‌های آهکی و چاه‌های غیرآهکی فاقد پروانه حفر شده در پروژه‌های مؤسسه فلاحت و شرکت‌های مشابه طبق قانون عمل شود.

۸/۱۳- از هیئت اعزامی مُصرّانه خواستارم که صورت تمامی دارایی و اموال من را تهیه کند و با تهیه صورت تمامی اموال و دارایی‌های مقامات مسئول استان و منسوبین به دفتر امام جمعه و سایر افرادی که اسامی آن‌ها تقدیم خواهد شد، مقایسه انجام گیرد؛ منشاء این اموال روشن شود و در صورت نامشروع بودن به بیت‌المال مسترد گردد.

۸/۱۴- پرونده شهر جدید صدرا، روند غصب مراتع و اراضی مردم ذیحقی و نحوه این غصب، آمران و عوامل این فاجعه بزرگ ملی در تهران و شیراز، مقدار پول‌های عظیمی که از این طریق به دست آمده و نحوه توزیع آن و کسانی که از این طریق به ثروت‌های افسانه‌ای رسیده‌اند، شناسایی شوند. با رسیدگی به این پرونده بزرگ ملی، شهرام جزایری را از جایگاه رفیع «نماد فساد مالی دهه اخیر» فرود آورده و این جایگاه را به صاحبان اصلی آن اختصاص دهند.

۸/۱۵- به عملکرد اداره کل اوقاف فارس، به‌عنوان اداره کننده دومین موقوفات ثروتمند ایران، پس از آستان قدس رضوی، رسیدگی شود و از تخریب باغات کهن و پهناور شهر شیراز و انبوه‌سازی، که در پوشش‌های عوامفریبانه چون «برج‌سازی برای محرومان» و «شکستن قیمت زمین و مسکن» و غیره توجیه می‌شود، جلوگیری شود. پیمان‌های اداره کل اوقاف فارس با شرکت بناسازان رمضان و سایر شرکت‌های عضو «مافیای زمین شهری و مسکن» مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

۸/۱۶- اسناد موقوفات منسوب به نصیرالملک و صاحب‌دیوان و «اهلیت» و «صلاحیت» سیاسی و اخلاقی متولیان این دو موقوفه مورد بررسی دقیق قرار گیرد، متولیان واقعی این موقوفات شناسایی و موقوفات پهناور فوق به متولیان واقعی آن بازگردانیده شود.

۹- در اجرای دستور مورخ ۱۴ آذر ۱۳۸۶ دادستان کل کشور، به فرایند کنونی تخریب مراتع عشایر طایفه قره‌غانلوی قشقایی در حاشیه جنوبی سبزپوشان توسط مؤسسه فلاحت در فراغت و مراتع طوایف سُرخ‌ی در حاشیه شمالی کوه دلویه توسط شرکت احرار فارس و عوامل و کارگزاران محلی آن پایان داده شده و کلیه عملیات اجرایی شرکت‌های

فوق و منسوبین شان توقیف شود.

۱۰- در صورت تداوم وضع فاجعه‌بار کنونی، ناگزیر به‌عنوان آخرین تلاش برای دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و اجرای توصیه‌های امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه تاریخی معظم‌له، و به پیروی از پیام نوروزی مقام معظم رهبری، مدظله، که سال ۱۳۸۷ را «سال نوآوری و شکوفایی» نامیده‌اند، به تکلیف خود عمل نموده و به کمک جنبش دانشجویی و عشایر غیور منطقه، در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی و با رعایت نظم و امنیت اجتماعی، «جنبش شکوفایی محیط زیست و احیاء مراتع» آغاز خواهد شد. در این حرکت فراگیر با تشکیل زنجیر انسانی از عملیات تخریبی مراتع و محیط زیست جلوگیری خواهد شد، و به کمک کارکنان شریف اداره منابع طبیعی قریب به پنج هزار هکتار مراتع تخریب شده کوهپایه شمالی دلویه و کوهپایه جنوبی سبزپوشان به حالت اولیه بازخواهد گشت و بوته‌کاری و علوفه‌کاری خواهد شد. این جنبش در مرحله بعد در سایر مناطق مشابه به احیاء محیط زیست و مراتع خواهد پرداخت.

عشایر ساکن کوهمره سُرخ و سیاخ این افتخار را دارند که در تمامی قیام‌های عشایری دوران پهلوی، از قیام بزرگ سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۱۰ علیه دیکتاتوری رضا شاه تا قیام سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۲ علیه دیکتاتوری محمدرضا شاه، پیشتاز بودند و در هیچ یک از حرکت‌های عشایری منفی تاریخ معاصر ایران، مانند «جنگ سمیرم» (۱۳۲۲) و «نهضت جنوب» (۱۳۲۵)، شرکت نداشتند. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی نیز مفتخرند که یک سوّم نیروی سپاه عشایر فارس را در دوران جنگ تحمیلی تأمین نمودند و ده‌ها شهید و جانباز و آزاده در راه دفاع از ارزش‌های انقلاب و تمامیت ارضی ایران اسلامی تقدیم کردند. اکنون نیز مفتخرند که در مبارزه برای نوزایی ارزش‌های انقلاب اسلامی و مبارزه با «معماران تباهی»، که آرمان‌های والای «معماران انقلاب و شکوفایی» را به نابودی می‌کشند، پیشگام شوند.

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

عبدالله شهبازی

شیراز

۱۵ دی - ۲۰ اسفند ۱۳۸۶

ویرایش نهایی و اتمام کار: ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۸۷

انتشار در اینترنت: پنجشنبه ۸ فروردین ۱۳۸۷، ساعت سه صبح